

کارگر تبعیدی

ارگان

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

شماره ۱۱

اردیبهشت ماه ۱۳۷۰

قیمت : ۲ مارك

به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم!

اعتصاب کارگران نفت :

يك پیروزی برای کارگران!

هشتم دیماه با اعتصاب غذای کارگران پالایشگاه آبادان و اصفهان و روز بعد با پیوستن پالایشگاههای تبریز و تهران و شیراز به اعتصابیون، نفتگران وارد فاز جدیدی از مبارزات خود شدند. دوره جدید مبارزه نفتگران از این نظر حائز اهمیت است که چند روز پس از اعتصاب کارگران پالایشگاهها، تمامی بقیه درصفا ۴

نگاهی گذرا به
تشکلهای کارگری قبل و بعد از انقلاب

قانون کار گذشته که در سال ۱۳۲۸ تکمیل و به مرحله اجرا گذاشته شده بود اشکال مختلفی از تشکلات کاری را برسمیت می‌شناخت. از انتخاب نماینده کارگاه گرفته تا تشکیل سندیکا و اتحادیه و کنفدراسیون ۰۰۰ شرایط انتخاب شدن و انتخاب کردن نمایندگان در قانون کار گذشته برای عموم کارگران یکسان بود و هیچگونه منع قانونی وجود نداشت، بقیه درصفا ۷

جنگ و کارگران

ابعاد فاجعه جنگ خلیج فارس که عواقب مصیبت بار آن سالها بر زندگی مردم منطقه باقی خواهد ماند از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. کشتار

صدها هزار انسان بیگانه در شهرهای مختلف عراق و کویت، نابودی دهها شهر و هزاران روستا، آوارگی میلیونها انسان، نابودی حاصل کار چندین نسل و غیره همگی هنوز عمق فاجعه را نشان نمی‌دهد.

شاید یکی از جنبه‌های فاجعه بار این جنگ ضد مردمی، که کمتر مورد توجه قرار گرفته و ابعاد مختلف آن بررسی نشده است، تأثیر بلاواسطه و درازمدت بر زندگی و سرنوشت میلیونها کارگر در منطقه میباشد. بقیه درصفا ۲

فعالیت‌های انجمن کارگران پناهنده - لندن در رابطه با

اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از کنفرانس بین المللی کار

بدنبال تقاضای انجمن کارگران تبعیدی از اتحادیه های مختلف در نیوکاسل انگلیس، سه نفر از کارگران عضو این انجمن سفر يك هفته‌ای به نیوکاسل داشتند و در آن

جا با مسئولین اتحادیه‌های مختلف مذاکره نموده و در بعضی از جلسات رسمی آنها شرکت کرده و برای نمایندگان اتحادیه‌ها سخنرانی کردند.

در روز اول در جلسه رسمی نمایندگان کارگران شهرداری که عضو اتحادیه بودند شرکت کرده و پس از سخنرانی برای نمایندگان، قطعنامه پیشنهادی این انجمن در جلسه رسمی به رأی گذاشته شد که باتفاق آرا بتصویب رسید. مسئولین اتحادیه پیشنهاد کردند که در قطعنامه گفته شده که جمهوری اسلامی از کنفرانس بین‌المللی کار اخراج شود، می‌خواهید شما چه کسانی جایگزین آنها شوند که از طرف انجمن گفته شد که تعدادی از کارگران تبعیدی به انتخاب خود آنان. همچنین در این جلسه بند دیگری به قطعنامه اضافه شد که بدینصورت است: فرستادن هیئت ویژه‌ای از طرف کنفرانس بین‌المللی کار برای بررسی وضع کارگران به ایران. بقیه درصفا ۶

اخبار کارگری

اول ماه مه، پیام‌آور وحدت کارگری!
فراخوان بمنظور پشتیبانی از اعتصاب نفتگران
تلگرام پشتیبانی به معدنچیان زونگولداک ترکیه
به زن يك کارگر اعتصابی

زنده باد تشکلهای مستقل کارگری!

اول ماه مه، پیام‌آور وحدت کارگری!

هر سال در اولین روز ماه مه، فریاد خروشان میلیون‌ها کارگر، این سازندگان همه نعمات زندگی و برپا-دارندگان تمدن بشری، به جهانیان یادآوری میکند، که ما سازندگان جهان، برآنیم که دنیای جدیدی بسازیم؛ دنیایی فارغ از فقر و گرسنگی، غاری از هر ستم جنسی و نژادی و قومی، دنیایی برابر برای همه انسانها. جهانی کمر آن تنها ستیز ما با نیروهای طبیعت باشد برای ساختن دنیایی بهتر!

امسال هم کارگران بخیابانها خواهند آمد و با مارش پر شکوه خود پیام خود را بگوش همه خواهند رسانید: پیام اتحاد و وفاق کارگری، پیام برابری زن و مرد، پیام برابری نژادها و اقوام و بالاخره برابری انسانها. کارگران جهان سالی پر از مبارزه و شکست و پیروزی را پشت سر گذاشتند؛ از سواحل شمالی آتلانتیک تا جنوب آمریکا، از جنوبی‌ترین نقطه آفریقا تا شمالی‌ترین نقطه اروپا، از آسیای جنوب شرقی و شرق آسیا تا قلب خونین خاورمیانه، همه جا کارگران علیه تضحیقات، سرکوبها، اخراجها و تبعیضات مبارزه نمودند و سنگر به سنگر پیش رفتند و یسا از دستاوردهای تاکتونی خود در مقابل یورش سرمایه بحران زده و لجام گسیخته دفاع نمودند.

در اروپای کارگری، طلایمداران جنبش کارگری متشکل و آبدیده توانستند ضمن دفاع از دستاوردهای تاریخی جنبش کارگری اروپا، سنگرهای جدیدی بازکشایند:

در آلمان، علیرغم یورش کارفرمایان و سرمایه داران برای محدود کردن حقوق اتحادیه‌ای و علیرغم بخیابان ریختن صدها هزار کارگر در شرق آلمان و بیکارسازیهای وسیع، باوجود تحمیل هزینه‌های وحدت دو آلمان، هزینه باز-سازی صنایع شرق آلمان و نیز هزینه‌های کمرشکن جنگ خلیج فارس بر دوش کارگران و علیرغم بستن مالیاتهای جدید که افزایش حقوقهای قبلی را خنثی می‌کنند، کارگران توانستند با اتحاد و یکپارچگی خود، با اعتصابات عظیم چند صد هزار نفری در شرق و غرب آلمان به کارفرمایان و سرمایه‌داران بفهمانند که با چه نیروی عظیم اجتماعی روبرو هستند.

در انگلستان بعد از اعتصابات یکپارچه معدنچیان، اعتصاب کارگران چاپ و اعتصاب کارگران نفت شمال فصل جدیدی بر جنبش کارگری انگلیس افزود، بطوریکه ضدکارگری‌ترین نخست وزیر اروپا، خانم تاچر مجبور به استعفا شد تا مانع غرق شدن خود و حزب محافظه کارش گردد.

در سوئد، در سال گذشته کارگران در مقابل سیاستهای ضدکارگری دولت قاطعانه ایستادند و برای چندین ماه با استعفای دولت عملاً کسی در رأس دولت قرار نداشت!

اما سرمایه‌داری اروپا، با پیش کشاندن طرح وحدت اروپا در سال ۹۲، در حقیقت می‌خواهد یورش جدید و متمرکز-تری به دستاوردهای کارگران اروپا ببرد، و بقول بسیاری از رهبران کارگری اروپا تنها پاسخ کارگران به آن اتحاد مشترک کارگران اروپا و ایجاد تشکلهای سراسری در اروپا می‌باشد.

در آفریقای جنوبی، در کره، در آرژانتین و پرو، و بالاخره درخشانترین و آخرین نمونه مبارزات کارگری، مبارزات معدنچیان ترکیه و اعتصاب چندین ماهه و راهپیمائی با شکوه آنان بسوی پایتخت بود، که دولت ضد کارگری ترکیه را وادار به عقب نشینی کرد.

در ایران نیز جنبش کارگری همچنان ادامه داشت که اعتصاب یکپارچه کارگران صنعت نفت و عقب نشینی رژیم در برابر خواستهای کارگران، آخرین نمونه آن در سال گذشته است و کارگران ایران در زیر شدیدترین فشارهای رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی به مبارزات خود ادامه داده‌اند.

عدم وجود تشکلهای مستقل کارگری و نداشتن حق اعتصاب در ایران باعث شده تا شرایط طاقت فرسایی بر کارگران تحمیل شود. در ایران بجای تشکلهای مستقل کارگری تنها تشکلهای باصطلاح کارگری وابسته به دولت بنام شوراهای اسلامی، که مرکز جاسوسی رژیم در بین کارگران است، وجود دارند. هرگونه اعتصابی با گلوله و سرکوب پاسخی می‌گیرد. رژیم در سال گذشته بارها کارگران فعال و رهبران کارگری را با اتهامات واهی دستگیر نموده و شکنجه و اعدام کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی سرانجام در سال گذشته قانون کار خود را به تصویب رساند؛ قانونی که ابتدائی‌ترین حقوق کارگران، یعنی حق تشکل و حق اعتصاب را برسمیت نشناخته و بی‌حقوقی‌های کارگران ایران را جنبه قانونی می‌بخشد.

رژیم جمهوری اسلامی، که هرگونه تشکل مستقل کارگری را در ایران نابود کرده است، در مجامع جهانی کارگری، مانند کنفرانس بین‌المللی کار، وابستگان خود را، که در خانه کارگر جمهوری اسلامی متشکل کرده است، بعنوان نمایندگان کارگران ایران معرفی می‌نماید و تلاش می‌کند از این مجامع نیز به نفع خود و علیه کارگران سواستفاده نماید. انجمن کارگران تبعیدی ایرانی بر آنست که حمایت و پشتیبانی همکاران خود در اروپا و آمریکا را از مبارزات کارگران ایران جلب نموده و می‌کوشد تا اتحادیه‌های کارگری در کشورهای مختلف، از خواست اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از کنفرانس بین‌المللی کار، حمایت نمایند. ما در این رابطه به پشتیبانی و همکاری بیش از پیش کارگران نیازمندیم.

رفقای کارگر! همکاران!

روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان و روز اعلام وحدت کارگری بر هممان مبارک باد!

زنده باد اول ماه مه، زنده باد همبستگی و وحدت کارگران جهان!

انجمن کارگران تبعیدی ایرانی

اول ماه مه ۱۹۹۱



جنگ و کارگران

دنباله از صفحه اول

فشارهای اقتصادی بر آنها، تحکیم بندهای بردگی آنها در اثر تقویت ارتجاعی ترین رسوم بربریت که توسط متحدین آمریکایی و متحدانشان بطور مستقیم و غیر مستقیم تأیید و تثبیت میشود و تقویت ارتجاع اسلامی در ایران و منطقه و... بررسی کرد.

تاریخچه:

کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس پس از استخراج منابع عظیم نفتی به خصوص از دهه ۶۰ به بعد احتیاج شدیدی به نیروی کار وارداتی و متخصص پیدا کردند. از آنجا که بافت اجتماعی

البته باید تاکید کرد که خم شدن بر روی تأثیرات جنگ بر زندگی کارگران، به هیچ وجه بمعنای نادیده گرفتن اثرات این جنگ بر کل مردم - منطقه نمی‌باشد بلکه از آنجا که اکثریت این مردم را بهرحال کارگران و زحمتکشان تشکیل می‌دهند، اولاً "مطالعه تأثیرات جنگ بر زندگی کارگران، یعنی تأثیر آن بر زندگی اکثریت مردم منطقه و ثانیاً" این بررسی فقط باین جنبه از قضیه می‌پردازد ولی جنبه‌های دیگر را از نظر دور نمی‌دارد. می‌توان تأثیرات جنگ را همچنین بر زندگی زنان در منطقه، تشدیدافزایش

این کشورها، غالباً "عشیرتی بوده و نیروی کار متخصص در آنجا کم بود، - کمپانیهای نفتی و رژیمهای این کشورها برای تأمین نیروی کار لازم به خارج روی آوردند و این فرصتی بود برای صدها هزار نیروی کار متخصص و ساده فلسطینی که بخصوص در طی جنگ ژوئن ۱۹۶۷ از سرزمینهای تازه اشغال شده فلسطین مهاجرت نموده بودند که برای یافتن کار به مناطق روی آوردند، بعلاوه از آنجا که ناسیونالیسم عربی در دهه ۶۰، رسالت خود را باصطلاح آزادی فلسطین از چنگال غاصبین صهیونیست قرار داده بود و سمپاتی نسبت به مسئله بقیه در صفحه ۱۲

اعتصاب کارگران نفت : يك پیروزی برای کارگران!

دنیاه از صفحه اول

کارمندان، نفت و گاز پتروشیمی و پخش و خطوط لوله و مخابرات به اعتصابیون می‌پیوندند و در اولین حرکت یکپارچه خود پس از تحمل یازده سال سرکوب و اعدام و زندان و از دست دادن اکثریت مزایای قبل از انقلاب، رژیم اسلامی را در موقعیت بسیار حساسی از لحظات حکومت ننگین خود غافلگیر می‌کنند.

نفتگران در مقطعی دست به مبارزه زدند که رژیم ایجاد هرگونه تشکل علنی را برای کارگران ممنوع اعلام کرده، جنگ نا برابری در منطقه در حال جریان است و هزاران نفر از کارگرانی که در کویت و منطقه خلیج فارس مشغول کار بودند ناچار به ایران بازگشتند و به صف بیکاران افزوده شدند، رژیم در حال بازسازی پالایشگاه آبادان و مناطق ویران شده نفتی خوزستان است، و از وضعیت جنگی منطقه حداکثر بهره‌برداری را می‌کند و با فروش نفت به قیمت بسیار بالا وضع مالی خود را سروسامان می‌دهد.

جهت بازسازی مناطق نفتی و پالایشگاهها رژیم احتیاج مبرمی به نفتگران منحصی دارد و بدون همکاری آنان هیچکاری از پیش نخواهد برد، و این را کارگران نفت بخوبی میدانند و در گذشته و بخصوص در سالهای جنگ شاهد آن بودند که وقتی منطقه خوزستان زیر بمباران رژیم عراق تعطیل شد و تمامی کارگران این منطقه بطور عملی کاری برای انجام دادن نداشتند، رژیم چه معاملتای با آنها کرد، در آن -

مقطع جمهوری اسلامی شروع به تصفیه کارگران نمود در خلال هشت سال جنگ به بهانههای مختلف تعداد زیادی از کارگران مبارز را اخراج و گروهی از آنان را زندان و تعدادی را اعدام نمود و اینک برای بازسازی به اکثریت اخراج‌شدگان و حتی بازنشستگان قبل از موعد مقرر، ابلاغ شده که به کار خود باز گردند.

نفتگران در مقطع انقلاب دریافتند که تنها حرکت یکپارچه آنان می‌تواند رژیم را بزانو در آورد. در خلال چندین سال در رژیم گذشته که کارگران دست به اعتصاب می‌زدند، کارمندان چون خود را نماینده دولت می‌دانستند و اینطور به آنها تلقین شده بود از هر گونه حرکت و همکاری با کارگران امتناع می‌کردند، ولی انقلاب درس بزرگی به آنها داد و بعینه دریافتند که تنها با اتحاد عمل با کارگران است که می‌توانند نظرات خود را به دولت بقبولانند و میبینیم که در اولین حرکت سنجیده خود در رژیم اسلامی، نفتگران یکپارچه وارد میدان مبارزه می‌شوند و این آموخته انقلاب است. گرچه

در مقطع فعلی خواست نفتگران حول مسائل اقتصادی دور - می‌زند، ولی می‌بینیم در همین اولین حرکت از شخصی رفسنجانی تعهد می‌گیرند که دستگیرشدگان را آزاد کنند و هیچکس در این رابطه دستگیر نشود و این خود گام بزرگی است؛ رژیم که هرگونه حرکتی را علیه خود با سر نیزه جواب داده و حتی همپیمانان و هم نظران خود را به جوخه‌های اعدام می‌سپارد، چگونه است که در این مقطع تن به آزاد کردن دستگیر شدگان می‌دهد و اعلام می‌دارد که در آینده هیچکس در این رابطه دستگیر نخواهد شد و حتی در روز بیست بهمن ماه بجای هشت هزار تومان عیدی آخر سال، که در سالهای گذشته در اسفند ماه پرداخت می‌شد، امسال معادل دو ماه حقوق به تمامی نفتگران پرداخت می‌شود (حتماً این پاداش اعتصاب از طرف رژیم به نفتگران است!). چه شده که رژیم خواست بحق و جزئی کارگران کفش ملی و غیره را با سرکوب و دستگیری جواب می‌دهد، و حال به نفتگران به خاطر اعتصاب پاداش می‌دهد!

فکر می‌کنم رژیم حریف خود را از مقطع انقلاب شناخته و بخوبی دریافته که حریف خیلی قوی است و نمی‌تواند با اینها معاملتای را بکند که با دیگر کارگران انجام داده، گرچه به حساب خود در چند سال گذشته آنچنان بلائی بسر نفتگران آورده که هرگونه حرکتی را از آنان سلب کند و از ایجاد هرگونه تشکل علنی جلوگیری کند.

خوب راستی نفتگران چگونه این اعتصاب را سامان دادند، با کدام تشکل و سازمان علنی؟ آیا شورا داشتند و از طریق شورا عمل کردند و یا از طریق مجمع عمومی پیربری حرکت خود را سروسامان دادند، این موضوعی است که تنها آنها که در جریان روزمره مبارزه قرار دارند و عملاً درگیر مبارزه هستند می‌دانند.

راستی در مقطعی که نفتگران هیچگونه تشکل علنی ندارند و از جمع شدن بدور هم منع شده‌اند، چگونه توانستند اعتصاب به این عظمت را که تنها در مقطع انقلاب شاهد آن بودیم سروسامان دهند و نفتگران آبادان و اصفهان و تهران و شیراز و تبریز و کرمانشاه و گاز و پتروشیمی و خط لوله و مخابرات نفت و حتی کارگران پمپ بنزینها یکپارچه قدم به میدان بگذارند. و این تازه قدم اول است و اولین حرکت متحدانه کارکنان نفت در حیات رژیم اسلامی.

اما خواسته‌های نفتگران - افزایش حقوق به میزان بالا رفتن تورم طبق آمار و بیلان بانک ملی - افزایش وام مسکن و در اختیار گذاشتن زمین برای ساختن مسکن از طرف دولت - پرداخت جیره خواربار که قبل از انقلاب دریافت می‌داشتند و رژیم به بهانه جنگ آنها قطع کرد و ۹۰۰ تومان در ماه بجای آن به کارگران پرداخت کرده بود.

هستند، شاهد سرکوب و لگد مال شدن خود بودماند و به عینه به ماهیت کثیف این جمهوری پی بردند و بخوبی دریافته‌اند که آنچه اینان می‌گویند فریبی بیش نیست. حال نوبت آنها است، می‌خواهند بگویند ما هستیم، می‌خواهند بگویند که شما مجبورید ما را به حساب آورید و می‌خواهند شخصیت و ماهیت پایمال شده خود را که بدست این جمهوری طی چند سال به آنان تحمیل شده باز یابند، می‌خواهند ابراز وجود کنند، و دیدیم که چنین کردند و همان طور که گفته شد این گام نخست است؛ ما در آینده شاهد حرکاتی خواهیم بود که اصولاً "تصورش برای حاکمیت اسلامی غیر ممکن است". این حرکت را به تمامی نفتگران تبریک می‌گوئیم و برایشان آرزوی موفقیت در گامهای بعدی داریم.

اما ما چه می‌توانیم بکنیم:

۱- حمایت تمامی اتحادیه‌ها را در ارتباط با مبارزه نفتگران بدست آوریم و از آنان بخواهیم که طی نامه‌هایی به سفارت های جمهوری اسلامی، وزارت کار و نفت جمهوری اسلامی دخالت نیروهای نظامی در نفت را محکوم کنند.

۲- از اتحادیه‌ها بخواهیم که چون نمایندگانی که از طرف دولت ایران به کنفرانس بین المللی کار می‌آیند نماینده واقعی کارگران نیستند آنان را به این کنفرانس راه ندهند و بجای آن از کارگران تبعیدی دعوت کنند که به این کنفرانس بیایند و واقعیت را بازگو کنند.

۳- از اتحادیه‌ها بخواهیم که به کنفرانس بین المللی کار فشار آورند که هیئتی از این کنفرانس برای بررسی وضع کارگران به ایران بفرستند.

۴- از رادیوهایی که بزبان فارسی برنامه دارند بخواهیم که مبارزات کارگران نفت را بازگو کنند و از نشریات معتبر بخواهیم که این مبارزات را در نشریه خود منعکس نمایند.

۵- بهر طریق که می‌توانیم به کارگران داخل کشور پیام و همبستگی خود را بفرستیم و به آنها بگوئیم که ما را در این مبارزه همگام خود بدانند.

۶- چنانچه نفتگرانی در آینده از طرف رژیم دستگیر شدند، اسامی آنان را منتشر کرده و از سازمان عفو بین الملل بخواهیم که در جهت آزادی آنان اقدام کنند.

با کارگران همراه و همصدا شویم!

یدالله

پرداخت بنهای عقب افتاده، افزایش مبلغ رتبه‌های کارگری در طرح طبقه بندی مشاغل، استفاده کردن بازنشستگان از امکانات درمانی و بهداشتی درمانگاهها و بیمارستانهای شرکت نفت به جای استفاده از امکانات خدمات درمانی بیمه‌های اجتماعی.

شخص کردن وضع کارگران پیمانی.

و آنچه دولت ناچار به قبول آن شد و قبل از پایان مهلت يك هفته‌ای نفتگران آن را ابلاغ کرد:

۱- پرداخت ۲۰۰۰ تومان به تمامی کارکنان نفت - افزایش وام مسکن از ۴۰۰ هزار تومان به ۷۰۰ هزار تومان کتبیلا با بهره ۱۴ درصد بود و اکنون بدون بهره و سود شده دادن زمین به کارگران که فاز اول آن شروع شده و در تهران در جنب باشگاه کارگران و جنت آباد در اختیار کارگران قرار گرفته.

بنهای عقب افتاده پرداخت شد و کارگران از تعاونیهای نفت آنها را دریافت داشتند.

افزایش رتبه‌های کارگری از ۷ تومان در روز به ۱۴ تومان.

قبول استفاده کارگران از امکانات درمانی نفت پس از بازنشستگی.

شخص شدن وضع کارکنان پیمانی.

قبول این موضوع که پرداخت جیره را مورد مطالعه قرار دهند. پرداخت دو ماه عیدی بجای هشت هزار تومان در بهمن ماه و آزاد کردن تمامی دستگیرشدگان و تعهد اینکه در آینده هیچ کس در این رابطه دستگیر نخواهد شد.

خوب این تازه شروع حرکت است، نفتگران مزایای بسیاری در این حکومت ننگین از دست داده‌اند، نمی‌توانند برای خود تشکل ایجاد کنند زیرا قانون شوراها آنها منع کرده.

پنجشنبه‌ها تعطیل نیستند و ۴۴ ساعت در هفته کار می‌کنند. جیره خواربار قطع شده، پیمانهای دسته جمعی سالیانه را که قبل از انقلاب همه ساله نمایندگان آنان با دولت می‌بستند و بر مبنای افزایش هزینه زندگی مزایائی از دولت دریافت می‌داشتند از دست داده‌اند، خانه‌هایشان در خوزستان و بخصوص آبادان ویران شده و پولی برای بازسازی ندارند، پس از ده سال که مجبور شده‌اند بخاطر جنگ

خوزستان را ترک کنند و در شهرهای دیگر اسکان یابند و به زندگی خود سروسامانی دهند، اکنون می‌خواهند دوباره آنان را مجبور کنند که با خانواده به خوزستان برگردند و بدون امکانات زندگی کنند. در این جنگ بیهوده عزیزی را از دست داده‌اند و اکنون شاهد رقی عربی حکومتیان با دولت عراق

ندارند، پس از ده سال که مجبور شده‌اند بخاطر جنگ خوزستان را ترک کنند و در شهرهای دیگر اسکان یابند و به زندگی خود سروسامانی دهند، اکنون می‌خواهند دوباره آنان را مجبور کنند که با خانواده به خوزستان برگردند و بدون امکانات زندگی کنند. در این جنگ بیهوده عزیزی را از دست داده‌اند و اکنون شاهد رقی عربی حکومتیان با دولت عراق

ندارند، پس از ده سال که مجبور شده‌اند بخاطر جنگ خوزستان را ترک کنند و در شهرهای دیگر اسکان یابند و به زندگی خود سروسامانی دهند، اکنون می‌خواهند دوباره آنان را مجبور کنند که با خانواده به خوزستان برگردند و بدون امکانات زندگی کنند. در این جنگ بیهوده عزیزی را از دست داده‌اند و اکنون شاهد رقی عربی حکومتیان با دولت عراق

برای حمایت از مبارزات کارگران ایران متحد شویم!

فعالیت‌های انجمن کارگران پناهنده - لندن در رابطه با اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از کنفرانس بین المللی کار

گزارشی از انگلیس

دنیاله ارمسفره اول

همچنین این اتحادیه چکی بعنوان کمک مالی به انجمن اهدا کرد و قرار شد نشریه ماهیانه اتحادیه نالگو (۱)

را بطور مرتب برای ما بفرستند.

در جلسه بعدی که با نمایندگان کارگران قسمت فنی داشتیم، پس از سخنرانی، چون نمایندگان از قسمتهای مختلف اتحادیه آمده بودند، قرار شد قطعنامه را به اتحادیه‌های مربوط برده و در آنجا به تصویب برسانند. جلسه بعد با نمایندگان کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری نالگو بود که در این جلسه نیز پس از سخنرانی یکی از اعضا، انجمن و ابراز خشنودی از اینکه اعتصاب کارگران این اتحادیه در سال گذشته با موفقیت توأم بوده خواستار تصویب قطعنامه انجمن شد.

مسئول جلسه ضمن خوشامد به افراد انجمن ابراز داشت ما دارای درد مشترکی هستیم و مطمئن باشید که در اینجا تنها نیستید و ما قطعنامه شما را در اتحادیه‌های مربوطه حتماً به تصویب می‌رسانیم و پس از آن در کنفدراسیون به رأی خواهیم گذاشت و در نشست سالیانه اتحادیه سراسری آنرا بتصویب خواهیم رساند.

در ارتباط بعدی که با دبیر اتحادیه کشتیرانی داشتیم، ضمن صحبت از وضعیت کارگران ایران و ارائه قطعنامه، دبیر این اتحادیه ضمن بازگو کردن مسائل مختلف اتحادیه خود از چند اعتصاب سراسری کشتیرانان ابراز داشت: ما همچون کارگران نفت ایران، نوبت تیز سرنیزه دولت در ابتدا برگردن ما فرود می‌آید و دولت میخواهد که با سرکوب حرکات ما چشم‌پوشی به دیگر کارگران نشان دهد، ولی ما همچنان مقاومت خواهیم کرد. دبیر این اتحادیه گفت روی پرچم اتحادیه ما نوشته: "کارگران جهان متحد شوید!" از این نظر خیالتان راحت باشد که ما با شما هستیم و قطعنامه شما در اتحادیه ما به تصویب خواهد رسید.

در جلسه بعد که با نمایندگان و دبیر اتحادیه راه‌آهن داشتیم، ضمن بازگویی مسائل کارگران ایران و انتظار آنان از بقیه کارگران، دبیر این اتحادیه ابراز داشت که عموم کارگران از يك خانواده‌اند و ما در اتحادیه قطعنامه شما را به تصویب می‌رسانیم.

جلسه بعدی شرکت در نشست عمومی نمایندگان کارگران نفت شمال بوده در این جلسه ضمن سخنرانی از طرف

۱- نالگو (NALGO):

(National and Local Government
Officers Association)

انجمن گفته شد که ما کارگران عضو انجمن از مبارزه شما کارگران نفت بخاطر خواستهای برحقان دفاع می‌کنیم. ما از مبارزه شما برای ایجاد تشکیلی مستقل و از مبارزه‌تان برای ایجاد محیط کار سالم و ایمن حمایت کرده و از هر کوششی که از دستمان بر آید کوتاهی نخواهیم کرد. ما تأسف خود را به مناسبت مرگ نزدیک به ۲۰۰ نفر از کارگران حفاری نفت ابراز داشته و مسبب آنرا دولت انگلیس و سرمایه‌داران نفتی می‌دانیم.

در خاتمه، پوستره‌های تبلیغاتی آنان را برای نصب و پخش از آن دریافت داشته و برای پیشبرد هدفشان نیز کمک مالی به آنان اهدا شد.

جلسه بعدی که حدود سه ساعت طول کشید، با معاون دبیر کل اتحادیه کارگران معدن انگلیس بود؛ در ابتدا حدود يك ساعت سؤالات متعددی از ما شد و در مجموع کلیه مسائل و مشکلات کارگران کشورمان را با او در میان گذاشتیم که همه را یادداشت کرد. پس از آن ما نیز سؤالات زیادی از ایشان کردیم که روی نواری ضبط شده است. در پایان ملاقات معاون دبیر کل اتحادیه معادن بما گفت که قطعنامه پیشنهادی شما را ابتدا در جلسه رسمی اتحادیه کارگران معادن به تصویب می‌رسانیم؛ پس از آن به حزب کارگر برده و آنرا برای تصویب به اتحادیه سراسری کارگران انگلیس ارائه خواهیم داد و همچنین اظهار داشت که ما بشما نیز برای پیشبرد اهدافتان کمک مالی خواهیم کرد و نشریه‌مان را نیز مرتب برایتان می‌فرستیم.

هنگام ترك جلسه نیز بهر يك از شرکت کنندگان در جلسه چندین مدال اتحادیه معدنچیان بعنوان یادبود اهدا گردید. در آخرین شب، از طرف انجمن کارگران تبعیدی شب همبستگی کارگران ایران و بریتانیا برگزار شد که در آن جلسه که از ساعت ۷ تا ۱۱ شب ادامه داشت، گروهی از نمایندگان کارگران شرکت کرده و بحثهای مختلفی صورت گرفت و در خاتمه شامی با یکدیگر صرف کردند.

پس از بازگشت، برای يكيك اتحادیه‌ها نامه‌ای تشکر آمیز فرستاده شد و در نامه قید گردید که این انجمن بسیار خوشحال خواهد بود که ارتباط با آنها بطور مرتب ادامه داشته باشد و ضمن تشکر از پشتیبانی آنان و تصویب قطعنامه پیشنهادی این انجمن، تقاضا شد که بطور مرتب نشریه اتحادیه‌شان را برای انجمن ارسال دارند.

نگاهی گذرا به

تشکلهای کارگری قبل و بعد از انقلاب

دنیاه ازمغه اول

عموم کارگران با جمع آوری امضا از $\frac{1}{4}$ افراد هر کارگاه می‌توانستند کاندید نمایندگی شوند، تنها کسانی که از طرف مراجع قضائی از حقوق اجتماعی محروم شده بودند نمی‌توانستند در انتخابات شرکت کنند. پس از جمع آوری امضا و نوشتن نامهای به وزارت کار، فرد خود را کاندید نمایندگی می‌کرد.

اسامی کلیه کاندیده‌های نمایندگی از طریق وزارت کار به طور غیر رسمی به ساواک داده می‌شد. ساواک با بررسی لیست کاندیده‌ها، چنانچه افرادی از اینها دارای جرائم سیاسی بودند و یا به زندان رفته بودند به وزارت کار ابلاغ میکرد که این فرد صلاحیت نمایندگی ندارد، و وزارت کار طی نامهای که به کارگاه می‌فرستاد، ضمن اعلام اسامی کاندیده‌های بدون سوء پیشینه کیفری تاریخ انتخابات را هم مشخص میکرد و در روز موعود به تعداد کاندیده‌ها صندوق آورده و بانظارت وزارت کار انتخابات انجام میشد و پس از خواندن اوراق

انتخابات صورت جلسهای تنظیم میکردید و نماینده وزارت کار زیر آنرا امضا میکرد و يك نسخه در کارگاه و يك نسخه هم به وزارت کار برده میشد. پس از ۱۵ روز فرمی از طرف وزارت کار برای نماینده انتخاب شده فرستاده میشد که این فرم از طرف وزارت اطلاعات بود و پس از پر کردن آنرا به وزارت کار می‌فرستادند و پس از این تشریفات وزارت کار کارت نمایندگی با عکس فرد انتخاب شده برای او می‌فرستاد که رویش نوشته شده بود آقا یا خانم ۰۰۰۰ برای مدت دو سال از تاریخ بالا بعنوان نماینده اصلی کارگران کارخانه ۰۰۰۰۰۰ انتخاب شده است. و در این فاصله طی چندین جلسه (بستگی به حساسیت کارگاه) در ساواک برای شخص انتخاب شده صحبت‌هایی میشد و به او وظیفه می‌دادند که از هر گونه تحریک در کارگاه جلوگیری شود، افرادی که باعث تحریک و آشوب در کارگاه می‌شوند به ساواک معرفی نمایند، وظیفه دارند هرگونه جرمی را قبل از وقوع به ساواک خبر دهند و غیره.

تراصل مسئولین ساواک می‌گفتند تو نماینده ساواک در کارگاه هستی و تمامی مسائل را بایستی به اطلاع ما برسانی. این دیگر بستگی به نماینده داشت که با چه ظرافتی‌تواند عمل کند که به دام ساواک نیفتد.

در مورد سندیکاها، تاریخ انتخابات و اسامی کاندیده‌ها و اساسنامه سندیکا به وزارت کار فرستاده میشد و از وزارت کار خواسته میشد که ناظری در روز انتخابات به محل بفرستد که اینکار صورت میگرفت. پس از پایان انتخابات صورت جلسهای به امضای ناظر وزارت کار و افراد انتخاب شده تنظیم میشد

و يك نسخه از آن به وزارت کار برده میشد و منتخبین از بین خود دبیر و رئیس خزانه دار را به وزارت کار معرفی می‌کردند. و سه نوبت سه ماهه در روزنامه‌های رسمی انتخابات سندیکا با اسامی انتخاب شدگان به چاپ میرسید و پس از آن از طرف وزارت کار برای این افراد کارت نمایندگی در صورتی که از حقوق قانونی منع نشده بودند فرستاده میشد که باز پند و اندرز ساواک برای منتخبین وجود داشت. این از شکل و چگونگی انتخابات تا مرحله گرفتن کارت نمایندگی از طرف وزارت کار، اما رژیم شاهنشاهی راهها و طرق مختلفی را برای بدام انداختن منتخبین کارگاهها و کارخانجات به پیش میرد، و برای اینکه بتواند نمایندگان را در چهار چوب سیاست تعیین کرده خود به پیش ببرد راههای مختلفی در پیش‌های آنان می‌گذاشت. در ابتدا سازمان کارگران را بوجود آورد که پس از تشکیل حزب رستاخیز در اصل این شعبه کارگری آن حزب بود، چون در قانون قید شده بود که سندیکاها و اتحادیه نمی‌توانند به هیچ حزب و گروهی وابسته باشند، - سازمان کارگران تنها حمایت خود را از این حزب اعلام می‌کرد نه وابسته بودنش را. در سازمان کارگران که به اصطلاح هیئت مدیره آن انتخابی بود، همواره دو نفر از نمایندگان مجلس شورا و يك سناتور در رأس آن قرار داشتند، همچون بردباری و اسحق نژاد. قربانی نسب - حیدر صائی و ۰۰۰.

برای نمایندگان دامهای مختلفی چیده میشد. نمایندگان معمولا جهت بازگو کردن مشکلات در سازمان کارگران جمع میشدند، در این سازمان دوره‌هایی را برای نمایندگان در نظر میگرفتند و همیشه در آنجا انتخاباتی جهت یکی از ارگانهای مختلف وجود داشت. انتخابات نماینده جهت بازرسی وزارت کار. بازرسی بیمه‌های اجتماعی. نماینده در شورای حل اختلاف. نماینده در شورای عالی کار. نماینده در انجمن شهر. نماینده جهت اعزام به سازمان بین المللی کار. نماینده جهت مجلس شورای ملی در سازمان کارگران. گروه‌بندی و باندبازیهایی بسیاری جهت این انتخابات وجود داشت و در.

این سازمان نمایندگان را بجان یکدیگر می‌انداختند و هر نماینده برای آنکه بتواند پست بالاتری را کسب کند شروع به خوش رقصی میکرد و هر کس چاپلوس‌تر و خودفروش‌تر بود پستهای مهم را اشغال میکرد. کثیفترین آنها به مجلس شورای اسلامی راه می‌یافت و بهمین نسبت از انجمن شهر و شورای عالی کار گرفته تا سازمان بین المللی کار و بازرسی مختلف، این روند در تمامی شهرستانها وجود

بدوی و تجدید نظر را در کارگاهها و کارخانجات اداره کرده و عضو یکی از این دادگاهها بوده که کار اصلیشان تسویه تمامی کارگران مبارز از کارگاره و تحویل آنان به دادسرای باصلاح انقلاب بود و حتی کارگرانی که در سپاه کارخانه مسلح شده بودند و باصلاح از کارخانجات مواظبت میکردند زیر نظر همین افراد مستقر در دادگاهها کار میکردند. این از وضع شوراهای موجود و قانون انتخاب شدن آن که هیچ کارگر غیر مذهبی از نظر قانون حق انتخاب شدن ندارد یعنی تمامی کارگران مسیحی و کلیسی و زرتشتی نمیتوانند در هیچیک از تشکلهای کارگری انتخاب شوند و حتی کارگران مسیحی که در آبجوسازیهای گذشته و کارخانجات مشروب سازی کار میکردند که حالا نام کارخانه را به مألشعیر و الکل سازی تغییر دادهاند، اجازه انتخاب کردن نماینده خود را ندارند. گرچه اکثریت آنان مسیحی هستند. اینها حتماً چون مردم کردستان بایستی نماینده مثلاً از قم وارد کنند که مسلمان باشند و مورد تأیید سپاه و انجمن اسلامی، در کارگاههای بزرگ چون نفت - گاز و پتروشیمی، آب و برق که کارگران طبق قانون موجود نمیتوانند شورا بوجود آورند مگر با خواست وزیر مربوط به آن صنعت و تصویب در هیئت وزیران که هنوز این خواست از طرف هیچ وزیری مطرح نشده است. این از تنها تشکل موجود کارگری که البته کارگران راههای مختلف متشکل شدن خود را بخوبی میدانند و در عمل میبینیم که کارخانجات مختلف چه به تنهایی و در چند مورد چند کارخانه متحداً دست به اعتصاب و اعتراض میزنند و این در عمل یعنی نفی تشکلهای فرمایشی موجود. میماند چگونگی سرگرم کردن نمایندگان فعلی شوراهای و وضع خانه کارگر جمهوری اسلامی. در گذشته امثال جیدرصاصی و قربانی نسب در رأس سازمان کارگران گمارده شده بودند، حال محبوب و..... که به نمایندگی مجلس راه مییابند. در گذشته نمایندگان خود فروش به سازمان بین المللی کار راه مییافتند حال هم همین افراد، منتها در ابتدا جمهوری اسلامی از مسئله مذهب استفاده کرد و اکثر انجمنها و بسیجها را زیر شعار مبارزه با کفر به جان کارگران مبارز انداخت ولی بررور زمان که این شعار محتوای خود را از دست داد، شروع کرد نمایندگان را به مکه و سوریه و مشهد فرستاد و یا در رأس انجمنهای اسلامی و بسیج کارخانجات قرار داد و برای آنان در آمدی اضافه بوجود آورد و از جمله در نفت دو نفر از همین افراد انجمن راه ریاست باریبری و حمل و نقل شرکت ملی نفت گمارد که دزدی چند میلیونی این دو نفر به روزنامهها کشیده شد و در مجلس اسلامی مطرح گردید و غرضی وزیر نفت ناچار شد در مجلس از آنها حمایت کند که پس از این رسوائی این دو نفر دوباره به کارگاه فرستاده شدند و دو نفر دیگر بجای آنان گذاشتند. و یا ریاست کل حفاظت صنعت نفت بدست یکی از کارگران

داشت و در اغلب شهرستانها سازمان کارگران در دست نمایندگان خود فروخته بود و بدون استثنا تمامی مسئولین سازمان کارگران مأمور ساواک بوده و با بخش کارگری ساواک همکاری میکردند و یکی از اعضا این بخش بودند. اصولاً فلسفه بوجود آوردن سازمان کارگران جهت سرگرم کردن نمایندگان و ایجاد رقابت در بین آنان و دور نگاهداشتن آنان از کارگاه و در اصل از کارگران بود و در کنار آن نمایندگان جهت انتخاب شدن در یکی از ارگانهای نامبرده تا آنجا که نمیتوانستند کارگران آگاه را به ساواک معرفی میکردند و آنان را سرگرم کرده و در برنامههای دولتی آنان را شرکت داده و منافع کارگران را نادیده گرفته و تنها در جهت منافع دولت به پیش میرفتند و آنکه در این راستا گوی سبقت را از دیگران میبرد کرسی نمایندگی مجلس نصیبش میشد و بقیه در مراحل پائینتر. در شهرهای مختلف افرادی در رأس این سازمانها بودند، در اصفهان ایران پور - در کرمانشاه ادبی - در اهواز الهی - در آبادان واقف - در تهران صائبی و قربانی نسب و بردباری و سرب - در تبریز اسحق نژاد و غیره، که تمامی این افراد بجز چند نفر در تهران از نمایندگان نفت بودند. انتخاب در یکی از این ارگانها عموماً جنبه مادی داشت و حقوق نماینده را تا چند برابر بالا میبرد. از طرفی شرکت در کنفرانس بین المللی کار ضمن دریافت مبالغ زیادی ارز، چند ماهی تفریح و گردش در خارج از کشور را در بر داشت. این از شکل انتخابات و چگونگی تسلط دولت بر سازمان کارگران و نمایندگان و رژیم شاهنشاهی. اما در رژیم اسلامی بجز در دوران بسیار کوتاهی که خانه کارگر (همان سازمان کارگران سابق) در دست کارگران بود، رژیم از طریق اوباشان حزب الهی با بیورشی خانه کارگران را از دست آنان بیرون آورد و ابتدا فردی بنام عرب و محبوب و..... را بر آن گمارد و این افراد با جلب گروهی از کارگران عضو انجمنهای اسلامی خانه کارگر جدید را بنیان نهادند و حتی در ابتدا برای ورود به جلسات خانه کارگر حتماً میبایستی معرفی نامهای از طرف انجمن اسلامی کارخانه داشته باشی و بهمین طریق در شهرستانها بهرور خانه کارگر بوجود آوردند.

در این رژیم علاوه بر قانون انتخابات شوراهای اسلامی که انتخاب شوندها را تنها به افرادی اختصاص داده که مسلمان بوده و از انجمن اسلامی کارخانه و سپاه محل تأیید نامهای بیاورند و در عمل مسلمان بودن خود را به ثبوت رسانده باشد، یعنی حداقل چند نفر از کارگران مبارز را معرفی کرده و در جهت سرکوب حرکات کارخانه با ساواک همکاری لازم را نموده باشد.

از طرفی همین افراد انجمن اسلامی هستند که در شروع سرکوب فعالین کارخانه یعنی از اواخر سال ۶۰ دادگاههای

پائو - وگلیس

ترجمه از: "پیروزی"

به يك زن كارگر اعتصابی

وقتی که در کارخانه شوهر تو کار را زمین می‌گذارد
و برای دستمزدی بهتر اعتصاب می‌کند
روحیات را مباحز اگر در خانه نامه اخطار را دریافت کردی!
آنکه تورا با نامه تهدید می‌کند
دشمن اعتصاب گران است
و نان ترا گران خواهد نمود
زیرا که تو زن کارگر اعتصابی هستی
و نانت نه از سود روسا
که از دستمزد کارگر است.

وقتی که در کارخانه شوهر تو کار را زمین می‌گذارد و اعتصاب می‌کند
روحیات را مباحز!
همکار اعتصاب او بمان
نامه اخطار را برای دشمنت پس فرست

و روی آن بنویس:

"من شوهرم را دوست دارم!"

رسمیت شناخته بود و ساواک بصورت مخفی یا بر نمایندگان فشار می‌آورد که با او همکاری کنند و یا آنها را از نماینده شدن محروم میکرد.

اما در رژیم اسلامی هیچگونه تشکل کارگری برسمیت شناخته نشده. تنها شورای اسلامی در کارخانجات کوچک که آنها تنها افراد انجمن اسلامی و یا افرادی که انجمن اسلامی و سپاه محل آنها را تأیید کنند می‌توانند به نمایندگی این شوراهای انتخاب شوند. در رژیم گذشته نمایندگان را برای دورکردن از کارگران در سازمان کارگران مشغول میکردند و با انتخاباتی که در آنجا بوجود می‌آوردند فکر آنان را از کارگاه بدور میکردند. اما در رژیم اسلامی خود فروختگان را در رأس ادارات و کارخانجات قرار میدهند و این افراد مستقیماً درگیر با کارگران بوده و ماهیت آنان فوراً برای کارگران روشن میشود، در صورتیکه در رژیم گذشته کسانی که ساواک بعنوان کارگر وارد کارخانجات مختلف میکرد برای کارگران شناخته شده نبودند و تا زمانیکه لیست ساواکیها در مرحله انقلاب منتشر شد کارگران به ماهیت کثیف آنان پی بردند.

سپرده شد که او نیز تمامی افراد انجمن اسلامی را به ریاست ادارات مختلف حفاظت در شهرهای مختلف گمارد و در دیگر صنایع بهمین طریق؛ یعنی رژیم شاهنشاهی اگر مهرهای جاسوسی و سرکوب خود را، که در میان کارگران بودند، بطور مخفی بکار می‌گمارد، ولی رژیم اسلامی با دستاویز کردن اسلام جاسوسان و سرکوبگران خود را بطور علنی و عریان در رأس کارها گذاشته و برای کارگران کاملاً شناخته شده هستند. از طرفی در زمان سرکوب عریان رژیم در سال ۶۰ کارگران به خوبی دشمنان واقعی خود را شناختند، همانطور که بر اثر بی‌تجربگی جنبش کارگری اکثریت کارگران مبارز در کارخانجات بطور علنی بر علیه رژیم حرکت می‌کردند و از این طریق رژیم همگی آنها را شناخت و از طریق دادگاههای بدوی و تجدید نظری که در کارخانجات بوجود آورد بدست همین افراد انجمن اسلامی آنان را یا به زندان فرستاد و یا از کارخانه اخراج نمود.

پس می‌توان گفت قانون کار گذشته انواع تشکلهای کارگری را به

اخبار کارگری

اخباری در رابطه با شرق آلمان

روزنامه " هیلد سهایمر آگماینه سابتونگ " سهشنبه ۱۹/۳/۹۱

۴۰۰/۰۰۰ نفر کارگر متال در معرض اخراج

بیش از یک سوم از کارگران متال و صنایع الکتریکی در بخش شرقی آلمان (آلمان شرقی سابق) کار خود را از دست خواهند داد. از ۱/۱ میلیون فلز کاران در شرق آلمان حدود ۴۰۰ هزار شغل حذف خواهند شد. غالب این بیکار سازیها در پایان ژوئن و هنگامی که قانون حمایت در برابر اخراج (از قوانین قبلی در آلمان شرقی) لغو خواهد شد، صورت خواهد گرفت.

تعداد کسانی که در صنعت فلز در شرق به کارهای موقت مشغولند هم اکنون حدود ۶۲۵۰۰۰ نفر است. از پائیز ۱۹۸۹ حدود ۱/۴ میلیون کارکن در شاخه مشغول بکار بودند که ۳۰۰ هزار نفر تاکنون کار خود را از دست داده‌اند. رئیس اتحادیه کل کارفرمایان متال در شرق ضمن برشمردن آمار فوق و ضرورت این بیکار سازیها برای بازسازی صنایع فلز در آلمان شرقی، خاطرنشان می‌کند که این تغییر ساختار صنعتی همراه با اجبار پیامدهای اجتماعی بدنبال خواهد داشت.

وی در پایان اظهار امیدواری میکند که کارفرمایان و اتحادیه فلزکاران در مورد ضرورت بالا بردن کیفیت کار و ناگزیری این تغییر ساختار صنعت فلز همکاری مشترک داشته باشند.

گردهمایی توده‌ای در شرق آلمان

در سالگرد اولین انتخابات آزاد پارلمان خلق در آلمان شرقی سابق، روز دوشنبه ۱۸ مارس دهها هزار نفر از مردم در سراسر بخش شرقی آلمان با پیشنهاد اجرای وعده‌های انتخاباتی و تضمین اجتماعی به خیابان رفتند. تنها در لایپزیگ بیش از ۷۰ هزار نفر در محل برگزاری تظاهرات دوشنبه‌ها در میدان اگوستوس گرد هم آمدند. همانند گردهم آبی دیگری در برلین در اینجا هم بسختی از صدراعظم هلموت کهل بخاطر وعده‌های دروغین انتقاد شد.

گردهمایی لایپزیگ که توسط اتحادیه‌ها، جنبش صلح و مردمی و نیز کلیساها فراخوانده شده بود، یکی از بزرگترین تظاهرات دوشنبه‌ها از بعد از وحدت آلمان بود. سخنگوی اتحادیه کارگری بسختی به هلموت کهل حمله کرد و اظهار کرد که وعده‌های انتخاباتی که داده بود، همه دروغ بود. نماینده مجلس از حزب سوسیال دمکرات (SPD) اظهار داشت که در ایالات جدید آلمان (شرق) اکنون چیزی حدود ۳ میلیون بیکار و کار موقت وجود دارند و این چیزی نبود که اهالی لایپزیگ در پائیز ۸۹ برای آن تظاهرات کردند.

تظاهرات ۱۰۰ هزار کارگر در ارفورت

در بزرگترین تظاهرات بعد از پائیز ۸۹ نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر کارگر فلز در ۲۷ فوریه در مقابل پارلمان ایالتی شهر ارفورت پایتخت ایالت تورینگن شرکت کردند. از آغاز ژانویه ۹۱ که بیکار سازیهای وسیع آغاز شده، طبق آمار رسمی در بخش آلمان شرقی بیش از ۵۰٪ نیروی کار تا تابستان بیکار خواهند شد. تنها در صنایع فلز تورینگن حدود ۱۵۰ هزار از ۲۵۰ هزار از محل کار حذف خواهند شد. کارخانجات عظیم اتوموبیل سازی در آیزناخ و یسا صنایع Simon در زول (Suhl) که یکی از بزرگترین کارخانجات اتوموبیل سازی در اروپاست، در معرفی تعطیل کامل قرار دارند.

در تظاهراتی که روز چهارشنبه برگزار شد و توسط سندیکای فلز شاخه فرانکفورت و ارفورت سازماندهی شده بود، رهبری اتحادیه تنها برای ۵۰/۰۰۰ شرکت کننده برنامه اتوبوس ترتیب داده بود، و این تعداد دو برابر شرکت کننده نشان دهنده این بود که کارگران فلز کار برای زندگی خود مبارزه می‌کنند.

بسیاری، پلاکاردهایی با نام کارخانه‌های خود حمل می‌کردند که در آنها تعدادی که در خطر بیکاری بودند، ذکر شده بود و تعداد زیادی از پلاکاردها بر علیه حکومت هلموت کهل بعنوان دروغگو و شاید شعارهایی نوشته بودند. نماینده رهبری اتحادیه از اینکه حکومت بن به ایالت شرقی علاقه نشان میدهد حمایت کرد. در زیر این شعار اینها با حکومت محافظه کار دموکرات مسیحی همکاری می‌کنند.

زیمنس - شرق :

بیکار سازیهای توده‌ای و کار کوتاه و مزد پائین

هزاران نفر از کارگران آلمان شرقی که در کسرن زیمنس کار می‌کردند، در اثر فروش این شرکت و بازسازی آن، به اخراج و بیکاری و کار کوتاه در حد صفر رانده شدند.

در شرکت سهامی ارتباطات زیمنس از نوامبر گذشته سیستمهای تلفن تولید میشود و در آنجا از کارگرانی که تنها با مزدی کمتر از نصف کارگران قبلی یعنی ساعتی ۷ مارک مشغول بکار هستند، استفاده میشود. از حدود ۵۰۰۰ کارگر قبلی زیمنس تنها ۱۱۴۶ نفر باقی ماندند و بقول رئیس شورای کارخانه این کار اینها را میتوان با ۳۵۰ کارگر انجام داد و بقیه را به کارهای کوتاه مدت واداشت.

ترجمه متن انگلیسی

فراخوان انجمن کارگران پناهنده ایرانی - لندن

به اتحادیه‌های کارگری بمنظور پشتیبانی از اعتصاب نفتگران

۵ فوریه ۱۹۹۱

دوستان و رفقای عزیز!

خواهند کرد.
در این زمان کارگران نفت بهرگونه حمایت خواهران و برادران کارگشان احتیاج دارند؛ شما می‌توانید هر کدام یا تمام این کارها را انجام بدهید:

۱- نامه‌های حمایت از کارگران ایران را به آدرس انجمن کارگران پناهنده بفرستید.

۲- نامه‌های اعتراضی به سفارت ایران در لندن بفرستید.

۳- تصویب قطعنامه در اتحادیه و سندیکالها برای اخراج نمایندگان جمهوری اسلامی از کنفرانس بین المللی کار توسط اتحادیه‌ها و اتحادیه سراسری کارگران انگلیس (TUC).

بیدالله

دبیر انجمن کارگران پناهنده ایرانی (لندن)

کارگران صنعت نفت ایران دست به يك اعتصاب سراسری در تمام بخشهای این صنعت زدند که پالایشگاههای آبادان، تهران، اصفهان، شیراز و تبریز را در بر گرفتند. اکسیون با اعتصاب غذای کارگران پالایشگاههای آبادان و اصفهان در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰ شروع شد. روز بعد پالایشگاه تهران بآن پیوست و با پیوستن تبریز و شیراز، حرکت اعتراضی به تمام مناطق نفتی گسترش یافت. مطالبات کارگران عبارت بودند از افزایش دستمزد بخاطر تورم بالا و افزایش فوق العاده مواد غذایی و سوختی و دادن بنهای عقب افتاده به کارگران - دادن جیره خواربار مطابق قرار داد سال ۷۹ - دادن زمین برای ساختن خانه و یا وام مسکن بدون بهره - تحکیم موقعیت کاری کارگران - کنتراتی و فصلی - تثبیت شرایط کار کارگران در سطح کارگران فنی و یقه سفید، و زیر پوشش قرار دادن بخشی از کارگران که زیر پوشش بیمه نیستند و پرداخت فوق العاده اصلاح شده به کارگران. بعد از ۴ روز اعتصاب غذا و بخاطر عدم انعطاف رژیم، حرکت اعتراضی کارگران گسترش یافت و بیک اعتصاب سراسری در صنعت نفت تبدیل شد. اعتصاب ۲ هفته ادامه داشت. وزارت کار و شرکت نفت از کارگران تقاضا کردند که نمایندهای برای بحث راجع به خواستهای کارگران انتخاب کنند. اما کارگران این درخواست را باین دلیل که مأموران وزارت کار حاضر نشدند رسماً و کتبا اعلام کنند که انتخاب نماینده رسمی است، پذیرفتند.

در ۱۲ ژانویه ۹۱، بدنال رد تقاضای وزارت کار از سوی کارگران، مأموران ساواما (سازمان امنیت رژیم) پالایشگاهها را تحت کنترل خود آوردند و به کارگران اخطار کردند که به خاطر جنگ در خلیج و حساسیت موقعیت صنایع نفت، از حالا تمام امور صنعت نفت تحت کنترل ساواما در آمده است. مأموران ساواما از کارگران خواستند که فوراً به سر کارهایشان برگردند و وعده دادند که دولت سریعاً به درخواستهایشان رسیدگی خواهد کرد.

در پاسخ، کارگران اعتصابی يك التیماتوم يك هفته‌ای تا پایان روز ۲۰ ژانویه ۹۱ به ساواما دادند که چنانچه به خواسته هایشان رسیدگی نشود تمام صنایع نفت مجدداً کار را متوقف

متن تلگرام پشتیبانی
انجمن کارگران تبعیدی ایرانی
به
اتحادیه معدنچیان زونگولداک ترکیه

رفقا، همکاران!

ما، انجمن کارگران تبعیدی ایرانی، شما درود می‌فرستیم و قاطعانه از مبارزه شما برای بهتر کردن شرایط کار و افزایش حقوق و کسب حق اعتصاب، حمایت و پشتیبانی خود را اعلام می‌داریم.

ما همچنین بخاطر مخالفت شما با جنگ خلیج شما تهنیت می‌گوئیم و مانند شما معتقدیم که قربانیان اصلی این جنگ کارگران و زحمتکشان و مردم عادی خواهند بود.

با گرمترین درودهای پشتیبانی
انجمن کارگران تبعیدی ایرانی
۱۶ ژانویه ۱۹۹۱

جنگ و کارگران

دنباله از صفحه ۳

فلسطین و فلسطینها عمیقاً در میان توده‌های عرب نفوذ داشت، زمینه ورود کارگران و متخصصین فلسطینی باین مناطق فراهم شد. صدها هزار نفر از فلسطینیهای آواره و بدون خانه و کاشانه و رانده شده از سرزمینشان به کویت، ابوظبی، شارجه، عمان و ۰۰۰ روی آوردند بطوریکه تا قبل از جنگ خلیج حدود ۷۵۰ هزار فلسطینی در کشورهای حاشیه خلیج فارس مشغول بکار بودند که حدود ۳۰۰ هزار نفر آنها در کویت کار میکردند.

از حدود سالهای دهه هفتاد و بخصوص بعد از جنگ رمضان (سال ۱۹۷۳) سیل مهاجرت نیروی کار از مصر بسوی کشورهای خلیج فارس سرازیر شد بطوریکه تا قبل از اشغال کویت توسط عراق حدود یک و نیم تا دو میلیون مصری در کشورهای خلیج، عراق و عربستان مشغول بکار بودند.

در اواخر سالهای دهه هفتاد و از آغاز سالهای ۱۹۸۰ بعلت مسائلی که از حضور کارگران عرب در کشورهای عرب خلیج فارس پیش آمد و بخشا" به ایجاد جو ضد فلسطینی در برخی کشورهای عربی خلیج فارس منجر شد و نیز بخاطر دامن زدن بان از سوی رژیمهای این کشورها که ترجیح میدادند از کارگران کشورهای آسیایی و پاکستان و بنگلادشی و ۰۰۰۰ که عرب نبودند و توقع حق شهروندی هم نداشتند، استفاده کنند باعث شد که فلسطینها تحت فشار قرار بگیرند و بخشا" بعد از پایان قرارداد کارشان مجبور به ترک کویت و سایر شیخ نشینها شوند.

بعد از جنگ ایران و عراق و بخصوص در ماههای قبل از اشغال کویت توسط عراق، با یک اقدام حساب شده دهها هزار کارگر مصری به بهانههای مختلف مجبور به ترک عراق شدند. بدنبال اشغال کویت صدها هزار کارگر فلسطینی، مصری بنگلادشی و پاکستانی و آسیائی در بیابانهای

کویت و اردن و عربستان آواره شدند و صدها نفر از آنها در اثر گرسنگی و بی آبی تلف شدند و بشر دوستان جهان متدین که برای به گروگان گرفته شدن چند صد نفر اروپایی و آمریکائی در عراق گوش فلک را کر کرده بودند، در برابر آوارگی و رنج و فلاکتی که باین انسانها وارد میشد، سکوت کرده بودند. گویا معیار دو گانه حقوق بشر باید همه جا خود را آشکار میکرد!

بطور خلاصه باید گفت در طول بیش از دو دهه حدود ۸ تا ۱۰ میلیون کارگر خارجی برای کار به این منطقه روی آورده بودند که بطور ثابت ۴ تا ۵ میلیون کارگر مصری و فلسطینی و آسیایی در کشورهای عراق و کویت و عربستان تا قبل از جنگ خلیج در کارهای صنعتی و کشاورزی و صنعت نفت و غیره کار میکردند. و اکنون بعد از اشغال کویت و جنگ وحشتناکی که آمریکا و متحدینش بر علیه مردم بی دفاع براه انداختند و دهها شهر و منطقه صنعتی نابود شدند، اکثریت این کارگران مجبور به ترک کشورهای حاشیه خلیج و عراق شدند.

عواقب جنگ خلیج برای کارگران و خانواده های آنها: هنوز جنگ شروع نشده بود که موج حملات علیه فلسطینیهای مقیم کشورهای حاشیه خلیج و بخصوص کویت آغاز میگردد. بعد از اشغال کویت توسط ارتش عراق، و بخاطر تعطیل مراکز صنعتی، تصفیه خانهها و بنادر و غیره دهها هزار نفر از فلسطینها به مناطق اشغالی بر میگردند و مسئله بیکاری وسیع که قبلاً در آن مناطق وجود داشت، ابعاد وسیعتری بخود میگیرد.

قبلاً در مناطق اشغالی فلسطین، بالاترین درصد بیکاری وجود داشت و با بازگشت انبوه کارگران اخراجی از مناطق خلیج فارس، وضع وخیمتری بخود گرفت. بدنبال حوادث خلیج فارس، دولت اسرائیل هم حمله وسیعی را به کارگران

فلسطینی و اتحادیههای آنان شروع کرد. نیروهای اسرائیلی حتی به دفاتر اتحادیه های کارگری فلسطینی حمله نموده و اعضاء فعال را شناسایی و دستگیر نمودند. خانوادههای فلسطینی که از طریق ارسال بخشی از دستمزد نان آورشان در کویت و خلیج زندگی میکردند، درآمد خود را از دست دادند و بخاک سیاه نشستند. از طرف دیگر رژیم صهیونیستی به بهانه جنگ خلیج و طرفداری سازمان آزادیبخش فلسطین از رژیم عراق، و بالا گرفتن جو ضد آمریکائی و ضد اسرائیلی در منطقه و نیز بدنبال موشک پرنیهای رژیم صدام به شهرهای اسرائیل، از ورود کارگران عرب به خاک اسرائیل جلوگیری نمود و در تمام این مناطق حالت فوق العاده اعلام کرد. دهها هزار نفر کارگر فلسطینی کار خود را از دست دادند، خدمات اجتماعی در مناطق اشغالی بکلی قطع شده، در مناطق اشغالی بیمارستانها تعطیل شده و کارکنان عرب آنها نمیتوانستند سر کارهایشان بروند، آمبولانسها اجازه رفتن به مناطق اشغالی نداشته و صدها بیمار که احتیاج فوری به بیمارستان داشتند جان خود را از دست دادند.

این وضع حتی تا چند هفته بعد از پایان جنگ ادامه داشت و تنها در روز ۱۷ مارس فرمانداری نظامی اسرائیل به کارگران متأهل آنهام باین شرط که کارفرماهایشان تعهد کنند که بعد از پایان کار آنها را باز گردانند و تحویل پلیس نظامی مرزی بدهند اجازه ورود به خاک اسرائیل و کار در آنجا راصدر کرد و کارگران مجرد را باین بهانه که بیشترین عاملین "اعتشاش" مجردها بودند، از حق کار در اسرائیل محروم کردند. از سوی دیگر کارگران فلسطینی باقیمانده در کویت و شیخ نشینها که حدود ۱۷۰ هزار نفر میشوند، بعد از پایان جنگ و باصطلاح آزادی کویت و بازگشت رژیم ارتجاعی شیخ به کویت مورد تعقیب و آزار و دستگیری قرار گرفتند.

از مبارزات کارگران ترکیه دفاع کنیم!

حدود پنجاه هزار کارگر معدن ترکیه از تاریخ سی نوامبر سال گذشته با خواست متشدد درصافه دستبرد دست به اعتصاب زدند. بالاخره در ماه جاری دولت ترکیه با ۲۵ درصد افزایش دستبرد کارگران موافقت کرد.

کارگران در اعتراض به این امر تصمیم میگیرند با دهما اتوبوسی به آنکارا آمده و اعتراض خود را نسبت به این تصمیم دولت ترکیه اعلام کنند.

پلیس ترکیه با تمامی تجهیزات از حرکت اتوبوسها جلوگیری می کند. کارگران تصمیم میگیرند که بهاده بطرف آنکارا راه پیمائی کنند معدنچیان بانجار شب را در یکی از شهرهای بین راه بسر بردند. صبح روز بعد (شنبه) پس از هفت مایل پیشتروی کارگران، پلیس با آب و ماشینهای بولدزر از حرکت آنها جلوگیری بعمل میاورد.

از وقایع بعدی این اعتصاب خیر موثقی در دست نیست.

مبارزه کارگران ترکیه برای افزایش دستبرد جزئی از مبارزه جهانی کارگران بر علیه سرمایه است. تلاش جهت تحقق خواستهای کارگران ترکیه وظیفه هر کارگری است.

ما بدین وسیله حمایت و پشتیبانی خود را از مبارزات کارگران ترکیه اعلام نموده و از همه کارگران می خواهیم بهر طریق که میتوانند از کارگران اعتصابی ترکیه دفاع کنند.

انجمن کارگران پناهنده ایرانی - لندن

۱۶ / ۱ / ۱۹۹۱

که اکثریت عظیم این مردم بیپناه جزیره زحمتکشترین مردم منطقه محسوب میشدند. جنگ همیشه ابعاد فاجعه باری برای انسانها در بردارد، بخصوص جنگهای مدرن که با تخریب شهرها و مراکز کارو نابودی صدها هزار نیروی انسانی، مصیبتهای عظیمی برای خانوادههای کارگران وزحمت کشان به بار می آورد. کارگران و مزد بگیران اولین قربانیان جنگ هستند و بطور مستقیم و غیر مستقیم، کوتاه مدت و دراز مدت تومار زندگی آنها در هم می پیچد.

رضا پایا - آلمان

سارس - ۹۱

از نتایج دیگر این جنگ فلاکتناز و ضد مردمی نابودی صدها شهر و منطقه صنعتی در عراق و بیکاری میلیونی مردم زنده مانده از جنگ وحشتناک اخیر است.

تقریباً "کارخانه و یا محلهای نبود که توسط هواپیماهای مافوق مدرن آمریکائی و متحدینشان بمباران نگردد و با خاک یکسان نشود. صدها کارگر در محل کار جان خود را از دست دادند و هزاران نفر مجروح گشتند.

شاید کشتار مردم کرد عراق که در واقع کشتار یک ملت است و با اغمازی دنیای متمدن و برپاکندگانی "نظم جدید" صورت میگیرد، را تنها در ابعاد خلقی و مردمی میتوان توضیح داد اما نباید فراموش کرد

مدها نفر بجرم همکاری با قوای اشغالگر عراق دستگیر و زندانی و شکنجه شدند. تاکنون بیش از ۲۰۰ نفر از فلسطینیها زیر چشمان سربازان "متمدن" آمریکائی قتل رسیدند و هنوز بیش از ۲۰۰۰ نفر در زندانهای قرون وسطایی شیخ بسر میروند. روحیه ضد فلسطینی در میان مردم کویت بالا گرفته است و آنها به هیچ وجه امنیت ندارند، و در انتظار سرنوشت و یا فرار از جهنم کویت به سرزمین اشغال شدهشان نشستند.

در این میان وضع صدها هزار کارگر مصری و بنگلادشی و غیره که در عراق کار می کردند، بهتر از فلسطینیها نیست. آنها بعد از تحمل مشقات بسیار و هفتهها سرگردانی در بیابانهای عراق و اردن، به زادگاه خود بر میگردند. ولی بر آنجا جز بیکاری و فلاکت، کسی انتظارشان را نمی کشد. بعد از بازگشت

این یک و نیم میلیون کارگر مصری از کویت و عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس، بیکاری در مصر از ابعاد فاجعه باری برخوردار شده و مشکلات اجتماعی کارگران مصر افزون تر شده است.

به همین ترتیب میتوان از وضعیست کارگران بنگلادشی، ناپلندی، فیلیپینی و غیره که قبلاً در منطقه خلیج مشغول بکار بودند یاد کرد که مردرآمد و محل کار خود را از دست دادند و برای سالها بخاک سیاه نشستند، یاد کرد.

دهها هزار کارگر ایرانی شاغل در کویت که اینک به ایران بازگشتهاند و بخیل عظیم ۶ میلیونی بیکاران ایران پیوستهاند، گوشه ای از مصیبتی را که گریبانگیر کارگران شده است نشان میدهد.

بانشانی های زیر با ما مکاتبه کنید:

دانمارک:

Khosravi
Posterestante K 21
The main station
1570 K.b.h
Danmark

اتریش:

Schulgasse
Postfach 506
Wien 1181
Österreich

دفتر مرکزی: آلمان فدرال

Postlagerkarte
Nr. 042037 B
6230 Frankfurt a/M 80
W. Germany

انجمن کارگران تبعیدی

پیدایش اتحادیه های کارگرم در بریتانیا تا جنگ جهانی اول ۱۹۱۴

سخنران : آلن تورنت، یکی از رهبران کارگران کارخانه لیلاند

چهارشنبه ۱۷ آوریل ساعت ۷ بعدازظهر

مکان: CONWAY HALL
RED LION Sq
LONDON WC1

 HOLBORN

جلسات بعدی انجمن: جنبش کارگری بریتانیا

(۱) از سال ۱۹۱۴ تا اعتصاب عمومی ۱۹۲۶

(۲) از سال ۱۹۲۶ تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵)

(۳) از سال ۱۹۴۵ تا اعتصاب معدنچیان

دنباله ارسفحه ۱۶

ج- هیچ شکی نیست که فقط خیر سنگ در طی این ده سال دولت سعی کرد از طریق خراب کردن چهره رهبری اتحادیه و بصورت کلی اتحادیه معدنیین بر نظر کارگران به حوه نهد و بیشتر این کمپین باعث بدبینی در بین مردم عیبه اتحادیه و بخصوص سکارکین شده است. ما در حالی که از اینست که این تبلیغات مخرب معدنیین زیادی را تحت تاثیر قرار داد و اخیراً هم نشریه DAILY MIRROR دعوی نفع از سیاستهای حزب کارگر را هم دارد کمپینی عیبه ارتوز سکارکین و پیتز هیث فیت داشت که کرچه با سعی ما این مسئله حل شد ولی ضرر غیرقابل جبرانی به ما زد و فکر می کند مدت زیادی طول خواهد کشید که ما بتوانیم نیم بر آن مشکلات غلبه کنیم. عجیب اینست که به اتحادیه معدن مرتب گفته می شود شما نیکر خطری برای دولت ندارید؛ برای من تعجب آور است چرا که اگر خطری نداریم چگونه است که ما مرتب مورد حمله قرار میگیریم، چون بنظر من شما در زندگی هیچوقت به چیزی که برایتان مظاهره ندارد مرتب حمله می کنید.

س- بنظر شما چنانچه حزب کارگر بجای دولت محافظه کار فغمی به قدرت برسد آیا وضع کارگران بهتر خواهد شد؟

ج- کارگران معدن با توجه به افق و آینده صنعت و وضعیتشان بهتر خواهند شد. ما شت داریم که از نظر شرایط وضعیت بهتری داشته باشند. چون همانطور که می دانیم حزب کارگر انتظار دارد در زمان بحران مانی بر سر کار آید و دولت را در دست گیرد و فکر کند وقتی سر کار آید هر چه در توان دارد بر می م. نجم نهد ولی این فاصله زیادی با آنچه که ما می خواهیم خواهد داشت. برای مثال من مطمئنم داریم که دولت حزب کارگر از نظر قوانین ضد اتحادیه ای گری نخواهد کرد زیرا در حال حاضر قوانین اتحادیه ای برای کارگران از صد سال پیش بدتر شده است و ما از نظر قانونی در شرایط بدتری از سال ۱۸۵۰ قرار گرفته ایم. ولی بطور کلی بنظر من اگر دولت حزب کارگر روی کار بیاید از نظر سرمایه گذاری در صنعت و امنیت شغلی معدنیین وضع بهتری خواهد داشت ولی از نظر حقوقی و شرایط کاری فرقی نخواهد کرد.

س- می دانیم که سرمایه داران در سطح جهان حرکت متحدی را عیبه طبقه کارگر پیش می برند. بنظر شما کارگران در این راستا چه باید بکنند و چه راه را باید درپیش گیرند؟

ج- بنظر من ایجاد اتحادیه های فرامیستی، همانند سازمان بین المللی معدنیین IMO که اتحادیه تمامی کشورهای را می پذیرد، کرچه در آن مشکلاتی وجود دارد؛ و همانطور که امروز بعد ازظهر اشاره کردم مشکل ما اینست که بوروکرات های دولتی هستند که خود شان را بجای نمایندگان کارگران جا زده اند؛ ما مرور زمان این مشکل را حل خواهیم کرد و در مبحث مشخص خواهد شد که کدام یک نماینده واقعی کارگرند و کدام یک نیستند. مثلاً سازمان دیگری در ارتباط با معدنیین بوجود آمده بود که اسمش NIM است که بیشتر خواهان قدرت بیشتر برای اتحادیه ها در آمریکا و آلمان است و عیبه اتحادیه های دولتی در کشورهای بونک شرقی می باشد و بالعکس به سازمانهای اتحادیه های نیکری نظیر آنچه شما درید خوش آمد می گوید. من فکر می کنم تنها راه موفقیت آمیز همان باشد که در هر کشوری سازمانهای پایه ای مستقل از قدرت دولتی ساخته شود و اینها با هم ارتباط برقرار کنند و اتحادیه های فرامیستی بوجود آورند، مثلاً در کشور ما کارگران مستقل می توانند از راه اتحادیه های رسمی عمل کنند چون با تمام مشکلات اتحادیه ها کارگران را نمایندگی می کنند و همینطور در فرانسه و آمریکا و آفریقای جنوبی. اما در کشورهای چون شما و یا بونک شرقی که اتحادیه ها بدون وابسته هستند کارگران باید اتحادیه های مستقل تشکیل دهند و این اتحادیه های دولتی را عوض کنند و این شدنی است و در گذشته بسیار اتفاق افتاده است.

س- بنظر شما مشکلات و خواست فغمی معدنیین چیست؟

ج- بزرگترین مشکل فغمی ما در رابطه با خصوصی کردن صنایع سازمان برق است. ما متوجه شدیم که قراردادی بین شرکت برق شرکت معدن ذغال بوجود آمده که تولید ذغال سالیانه به ۷۰ میلیون و بعد به ۶۰ میلیون تن تا سال ۱۹۹۴ کاهش یابد و بعد از ۱۹۹۲ ما نمی دانیم مذاکرات به چه صورتی پیش خواهد رفت. ترس ما اینست که در این اجا راه حل ساده سرمایه داری پیاده شود و از ذغال زنجیره ای استفاده شود «منظور از ذغال زنجیره ای تولید ذغال در کشورهای دیگر یا کارگر ارزان و استفاده آن در کشورهای دیگر» و بدین ترتیب میزان تولید ذغال در کشور ما «بر طبق بررسیهای شرکت ذغال» تا ۴۰ میلیون تن کاهش یابد. البته این کاهش یکباره نبوده و بعد از سال ۱۹۹۴ خواهد بود و تنها راهی که به نظر ما می رسد اینست که بیستی این روند را عوض کرد. «البته بخاطر جنگ خلیج بمیزان زیادی عدم اطمینان بوجود آمده که ممکن است کل این سناریو را در رابطه با انرژی بین المللی عوض کند» من هنوز نمیتوانم نتیجه این چه می شود ولی بدون در نظر گرفتن این مسئله تنها راه نجات موقت ما خلاصی از دست دولت محافظه کار و بر سرکار آمنت دولتی است که متعهد به نقش عمده ذغال سنگ در اقتصاد و انرژی باشد و باید بگویم که حزب کارگر با وجود انتقاد از زیاد دارای چنین سیاستی است - این تنها امید فغمی ما است.

اما باید بگویم با توجه به جنگ خلیج ممکن است کل این سیاست تغییر کند و برای این کشور الزامی شود که کل ذغال سنگ خود را تولید کند. ولی مسلماً من نمی خواهم آن شرایط بوجود آید - اگر بخاطر این مسئله قرار باشد در خلیج جنگ شود تا معدن ذغال باشند من ترجیح می دهم معدن ذغال وجود نداشته باشند ولی راستش اینست که این مسئله از کنترل ما خارج است و شاید این راه نجات موقت و تاسف آوری در کوتاه مدت برای ما باشد.

س- کر نظری در مورد انجمن ما دارید بفرمایید.

ج- در ارتباط با قطعنامه محکومیت و اخراج جمهوری اسلامی از کنفرانس بین المللی کار من بشما اطمینان می دهم که بین قطعنامه در اتحادیه خودمان به تصویب برسانیم و همچنین در اتحادیه سراسری کارگران انگلیس و حزب کارگر و نیز هر گونه کمک مانی که از دست ما برآید به انجمن شما خواهیم کرد.

مصاحبه با معاون اول

دبیرکل اتحادیه معدنچیان انگلیس



بدنبال مسافرت چند روزه سه نفر از اعضای انجمن کارگران پنهانده به نیوکاسل انگلیس و تماس با اتحادیه های مختلف در ارتباط با گرفتن حمایت این اتحادیه ها از قطعنامه انجمن کارگران پنهانده مصاحبه ای با معاون دبیرکل اتحادیه معدنچیان شد که از نظراتش می گذرد:

س- لطفاً خودتان را معرفی کنید.

ج- من Bill Edrington معاون دبیر اتحادیه معدنچیان هستم.

س- مبارزه کارگران معدن با نویت تاجر در سال ۱۹۸۴ یکی از درخشانیترین مبارزاتی بود که در چند سال گذشته در جنبش کارگری انگلیس بوقوع پیوسته اتفاقاً برای ما توضیح دهید که چه افراد و سازمانهایی تا به آخر از این مبارزه کردند؟

ج- سؤال بسیار مشکلی است زیرا تعداد وسیعی از اتحادیه های کارگری در دنیا و افراد سرشناس از مبارزه ما پشتیبانی کردند. ولی برای نمونه می توانم از آن سیمور دبیر اتحادیه کارگران فرانسه CGT نام ببرم. این اتحادیه با ایجاد کمپین در طول اعتصاب کسانه ما حدود ۸۰ کمپهای نقدی که بما شده بود را فراهم کرد. خوشحالم که بگویم کمکی که بما شد تنها از طریق اتحادیه ها و کارگران مختلف جهان بود و در این راستا هیچگونه کمکی از طریق سرمایه داران بما نشد بلکه برعکس آنها در جهت شکست این اعتصاب کاممهای زیادی برداشتند.

س- با توجه به حمایت بین المللی از اعتصاب شما یکی از مهمترین دستاوردهای این اعتصاب ایجاد جنب همبستگی در میان کارگران جهان بود. نظرتان در این مورد چیست؟

ج- همانطور که گفتیم اعتصاب ما باعث جنب همبستگی بین المللی در جنبش طبقه کارگر گردید و حد اکثر کمکها را در این رابطه ما از خارج دریافت کردیم و از طرفی در کشورهایی نظیر فرانسه، آلمان، شوروی، استرالیا و اسپانیا کمپینهای وسیعی در این رابطه بوجود آمده بود و رسانه های گروهی و مطبوعات بطور خینی آشکاری از این اعتصاب حمایت می کردند ولی متأسفانه باید بگویم بر خلاف انتظار ما در داخل کشورمان حمایت و پشتیبانی زیادی از ما نشد و اصولاً آنچه که مردم از روزنامه و تلویزیون دریافت می کردند خلاف واقع بود و بر علیه ما - گرچه ما از حمایت و پشتیبانی بسیاری از اعضای اتحادیه ها، رهبران اتحادیه ها و حزب کارگر بریتانیا برخوردار شدیم. اما در کلیت به این نتیجه رسیدیم که رهبران اتحادیه ها و حزب کارگر هیچ موقع به آن میزان که ما فکر می کردیم از ما حمایت نکردند و اکثراً در این رابطه خاموش شده و بیطرف بودند.

س- گفتید که بعضی از اتحادیه های کارگری بریتانیا از شما حمایت کردند آیا اتحادیه هایی بودند که در زمان اعتصاب بر علیه شما اقدام کرده باشند؟

ج- متأسفانه در آن زمان بیشترین حمایت از ما بصورت پاسیو داشت ولی شاید بهترین پشتیبان ما اتحادیه کارگران حمل و نقل T&G کارگران قطار، آتششاهها و تا اندازه ای اتحادیه کارگران شهرداری بود که میبایستی کلی و شامل جایگزینی ذغال سنگ بجای انرژی اتمی می بود. همچنین اتحادیه کشتیرانان که اکثر آن از ما حمایت میکنند

اما از طرفی اتحادیه هایی چون G&MWU ویا اتحادیه مهندسی و منیران توانیر به رهبری John Lyons که با تمام نیرو بر علیه ما هستند و اتحادیه EETPU که از T.U.C اخراج شد و در زمان اعتصاب از کارگران معدنی که از ما جدا شده و اتحادیه دولتی تشکیل داده بودند حمایت زیادی کرد و سعی کرد که اتحادیه ما را از درون ویران کند و بنظر من نایبستی هیچ موقع اجازه ورود مجدد این اتحادیه به T.U.C داده شود. البته در طول اعتصاب اتحادیه سر سری بریتانیا T.U.C و حزب کارگر

در کنفرانس هایشان تعهد کردند که از ما پشتیبانی کنند، گرچه در عمل هیچ کاری نکردند. ولی کسانی چون Lyons و یا Hammonds (رهبر BEPTU) که در طول اعتصاب شدید بر علیه ما بودند برای ما فراموش نشدنی است و تشرف آور - ولی با همه این تفصیلات - ما طی این ده سال همواره در صحنه کارگری کشورمان فعال بوده ایم و وضع به این بدی نیست که ما فکر می کردیم و در این مدت توانسته ایم قطعنامه های زیادی در TUC و حزب کارگر تصویب برساییم که بر ایمان امینوارکننده است.

س- حزب محافظه گار، نویت تاجر و اصولاً رسانه های گروهی در بریتانیا تمام سعی و کوشش شان این بوده که رهبر اتحادیه شما - آرتور اسکراگیل - را در نظر کارگران بد جلوه دهند. بنظر شما آیا در این کار موفق بوده اند یا خیر؟